

سمانه صادقی در جریان تظاهرات ۱۳۹۹ در تهران

**سمانه صادقی** روزهای آکنون در تقویم تاریخ انقلاب اسلامی، تداعی‌گر سالروز کودتای موسوم به نوزه است. هم‌از این‌روی و در بازخوانی بیسترهای داخلی و خار جسی آن، با دکتر جواد منصوری، شاهد و پژوهنده تاریخ معاصر بیه‌گفت‌وگو نشست‌است‌یم. آنچه پیش‌رو داریم، تحلیل‌های وی در باب این‌رویداد مغفول تاریخ یس از انقلاب است.

■ ■ ■

**ابتدا بفرماید وضعیت ارتش از زمان پیروزی انقلاب تا موعد انجام کودتا چگونه بود و تا چه حد با انقلاب همراه بودند؟**

انقلاب اسلامی برای ارتش شاهنشاهی یک تکانه بسیار بسیار شدید و غیرمنتظره بود و در احثی نمی‌توانست این تغییر عجیب و ناگهانی را تحمل کند، اما بدنه ارتش یعنی نیروهای عمومی ارتش به دلیل زمینه‌های مذهبی به تدریج خودشان را با انقلاب هماهنگ کردند و لذا در تمام اقدامات علیه جمهوری اسلامی از ابتدا اکثراً فرماندهان سطح بالای ارتش شرکت داشتند. علت هم این بود که فرماندهان بالای ارتش اکثراً خودفروخته رژیم سلطنتی و امریکا بودند. البته در میان آنها هم افرادی بودند که با انقلاب پیوستند اما غالباً این‌طور نبودند. به دلیل اینکه آنها سال‌های طولانی با دولت‌های دیگر کار کرده و ارتباط داشتند و تصور می‌کردند که باز به کمک آنها می‌توانند انقلاب را شکست دهند و اگر هم شکست ندادند می‌توانند بروند و در حمایت آنها زندگی کنند، که البته همین‌طور هم شد و بعد از شکست اقداماتشان آنهایی که فرار کردند به امریکا رفتند و تحت حمایت امریکا زندگی کردند.

**نقش امریکاییان در شکل‌گیری کودتای نقاب چه بود؟**

طراحی کودتا توسط سازمان سیا امریکا با هدف شکست و سقوط جمهوری اسلامی صورت گرفت. آنها این برنامه را پس از شکستی که در قضیه طیس متحمل شده بودند انجام دادند زیرا به هر حال امریکا مصمم بود که مانع تثبیت نظام اسلامی در ایران شود. یعنی تمام امکانات خود را به کار گرفت تا چنین اتفاقی نیفتد. از طرف دیگر آنهاهی را که برای اجرای این طرح در نظر گرفتند یک طیفی بودند از مجموعه نیروهایی که مقابل جمهوری اسلامی و انقلاب قرار داشتند،اعم از بهاییان، لیبرال‌ها، مجاهدین خلق، حزب توده و حتی از چند نفر از روحانیون داخلی که کودتاجپان به نوعی از آنها تأیید گرفته بودند.

**جذب و وحانیت برای مشرور وعبت بخشیدن به کودتای بود؟**

مقداری در همین رابطه بود. طبیعتاً مقداری هم برای آنکه بتوانند به این طریق بخشی از مردم را در واقع به سمت خودشان جذب کنند یا اینکه نشان دهند که ما مسلمان هستیم و با اسلام مشکلی نداریم.

**استدای مبتنی بر حضور ملیسین به لباس روحانیت در این کودتا وجود دارد؟**
اسناد انقلاب اسلامی چاپ کرده و در این کتاب بیش از صد سند در این ارتباط آمده از جمله نامسی که مجربان کودتا با بعضی از روحانیون حتی آیت‌الله شریعتمداری گرفته بودند. به هر حال در این زمینه مطلب بدون سند نیست.

**غیر از سازمان سیا چه کشور های دیگری از این کودتا حمایت کرده بودند؟**

دولت‌های دیگر در منطقه مثل عراق قطعاً همچون اسرائیل در این جریان دست داشتند به طوری که دولت عراق قطعاً نه تنها متوافق این کودتا بود بلکه به مقدار زیادی هم در اجرای این کودتافعال بود و حتی بخشی از نیروهای کودتا در عراق متمرکز بودند و هماهنگی کار و مراحل اولیه اجرا را در عراق آغاز می‌کردند. احتمالاً در مراحل بعد از آغاز اجرای طرح کودتا از برنامه‌هایی را برای موفقیت این طرح داشتند ولی چون این عملیات به سرانجام نرسید و وارد دوره اجرا نشد عملاً آنها در این طرح خودی نشان ندادند.

**اینکه گفته می‌شود عربستان هم پولی به مبلغ ۱۰ میلیون دلار برای انجام کودتا هزینه کرده بود، چقدر حقیقت دارد؟**

در مجموع دولت سعودی دشمنی‌اش با انقلاب اسلامی را از ابتدای پیروزی با شرکت در تمام طر‌هایی که به براندازی نظام اسلامی منجر می‌شده با تأمین مالی و یا در اختیار قرار دادن پایگاهی نشان داده است. در قضیه طیس پایگاه‌های عربستان در اختیار نیروهای امریکا و آمریکا بود و بخشی از هواپیماهای امریکا را این‌ها بلند شدند. در موارد دیگر هم تا به امروز در هر جریانی که در جهت ضربه زدن به نظام اسلامی بوده عربستان کمک کرده و در این زمینه استدای هم وجود دارد. لذا در اعتراضات کودتاجپان هم به این مسئله اشاره شده است.

**گفته می‌شود کشورهای که در این کودتا سهیم بودند تا حدودی از شکست کودتا آگاه بودند. این نظر چقدر به واقعیت نزدیک است؟**

به نظر نمی‌رسد که این‌طور باشد. آنها بیه پیروزی فکر می‌کردند و تصورشان این بود که در داخل ایران انسجامی برای سازمان‌های امنیتی، اطلاعاتی و نظامی نیست و فرماندهی متمرکز وی وجود ندارد و از طرف دیگر تهدیدات عراق، کشور را دچار مشکل کرده بود و ضدانقلاب به‌طور دائم برای انقلاب مسئله‌آفرینی می‌کردند و لذا آنها به پیروزی‌شان اطمینان داشتند.

**با توجه به اینکه برای پیروزی این طرح چند کشور باهم همراه شده بودند، به چه دلیل این طرح شکست خورد؟**
نکته‌ای که آنها از آن غافل بودند این است که انقلاب اسلامی با انقلاب‌های دیگر و با تحولات دیگر سیاسی یک یا دو قرن گذشته تفاوت‌های عمیقی دارد و به این دلیل دولت‌های مختلف نه شناختی از انقلاب اسلامی داشتند نه از رهبری انقلاب و نه از فرهنگ و نه از نظام و ایدئولوژی انقلاب و نه از نیروهای انقلاب. مثلاً تصور می‌کردند چون هیچ یک از دولت‌های خارجی، جمهوری اسلامی را تأیید نمی‌کند بنابراین جمهوری

اسلامی توان ندارد در مقابل این حرکت‌ها بایستد. پس به راحتی این برنامه‌ها برای برچیدن آن نظام به نتیجه می‌رسد.

نکنه دیگری که خیلی حائز اهمیت است اینکه آنها نقش رهبری حضرت امام را متوجه نبودند و نمی‌فهمیدند. این نکته بسیار مهمی است که شاید چندین سال بعد از این واقعه فهمیدند. صحبتی که حضرت امام بعد از شکست این کودتا می‌کنند، نکات بسیار مهمی دارد که باید تجزیه و تحلیل شود و به راحتی نباید از این صحبت‌ها گذشت. اینجا حضرت امام می‌گویند: «گیرم که شما پیروز شدید، آیا واقعاً این مردم شما را تحمل می‌کردند؟ آیا این مردم با شما کار می‌کردند؟ آیا می‌گذاشتند شما حکومت کنید؟» این نکته بسیار قابل توجه است ولی اصلاً به این مسائل فکر نمی‌کردند. آنها تصور می‌کردند می‌آیند و روی زمین مسلط می‌شوند و کار تمام می‌شود. نکته دیگری که کودتاجپان به آن توجه نکردند این بود که هر گروهی در واقع برای اهداف خودش وارد این طرح شده است. با فرض اینکه آنها پیروزی می‌شدند، امکان نداشت که بتوانند با هم کار بکنند. مثلاً مجاهدین خلق یا حزب توده یا بهاییان یا دولت عراق چون با هم منافع متضاد داشتند امکان سازش میانشان نبود. بنابراین کودتاجپان در واقع برای اهداف خودش وارد این طرح شده است. با فرض اینکه آنها پیروزی می‌شدند، امکان نداشت که بتوانند با هم کار بکنند. مثلاً مجاهدین خلق یا حزب توده یا بهاییان یا دولت عراق چون با هم منافع متضاد داشتند امکان سازش میانشان نبود. همکن بود در جریان کودتا ظاهراً با هم همکاری‌هایی داشته باشند، ولی بلافاصله بعد از کودتا جنگ داخلی میان خودشان شروع می‌شد و در نتیجه شکست می‌خوردند

**«نظری بر کودتای نوزه و بسترهای داخلی و خارجی آن» در گفت‌وشنود «جوان» با جواد منصوری**

# عملیات نقاب و عملیات‌های دیگر، نشان داد دشمن نظام اسلامی رانمی‌شناسد

کرده‌اند بر اوضاع مسلط شوند. به عبارت دیگر با یک به‌هم ریختگی که در کشور به وجود می‌آورند می‌توانند بر اوضاع مسلط شوند که البته به نظر من بیشتر یک خواب و خیال بود به خاطر اینکه نیروی اصلی این انقلاب توده مردم بود و آنها با فرض اینکه چند مرکز را می‌زدند باز هم این‌چرمرد می‌خانه‌های خودشان بیرون می‌ریختند و قطعاً در مقابل قدرت آنها ایستادگی می‌کردند.

اتفاقاتی که در ۲۱ و ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ رخ داد بسیار حائز اهمیت است. در آن روزها مردم واقعاً با دست خالی مقابل ارتش شاه ایستادند و خوردش کردند. ارتشی که آن زمان هنوز از هم نپاشیده بود. لذا کودتاجپان خیلی در قضایا ساده‌انگاری کردند. البته شاید این روش در برخی کشورهای جواب داده بود و حتی به نوعی تصورشان این بود که مدل کودتای ۲۸-مرداد ۱۳۳۲ را دوباره در ایران تکرار کنند اما نمی‌دانستند شرایط ایران سال ۱۳۵۹ را سال ۱۳۳۲ بسیار بسیار متفاوت است.

**به همین خاطر هم کودتاجپان ابتدا قصد تصرف تهران را داشتند؟**

خب به‌طور معمول در کودتاها اول مرکز حاکمیت و مرکز فرماندهی کشور می‌گیرند بعد طبیعتاً مناطق دیگر کشور را تصرف می‌کنند که البته خود این به نظر من باز یکی از آن نکات قابل توجه است. یعنی با فرض اینکه آن کودتا بر تهران مسلط می‌شد آیا قم هم این کودتا را می‌پذیرفت؟ آیا مشهد و اصفهان و اهواز و تبریز این کودتا را می‌پذیرفتند؟ به یقین نمی‌پذیرفتند. در یک مقیاس خیلی خیلی کوچک‌تر از این عملیات، جریان استبداد صغیر مشروطیت است که به هر حال وقتی مخالفان مشروطیت تهران را گرفتند از شهرستان‌های دیگر به تهران آمدند و به هر حال استبداد را شکست دادند.

**یعنی کودتاجپان برای تصرف دیگر شهرستان‌ها برنامه‌ای نداشتند؟**

نه چندان. چون آن قدر نه نیرو داشتند که بتوانند برای تمام کشور قبلاً تدارک دیده باشند و نه توان. نهایت



## عاریخ

کفت‌وگومرکز ۸۸۴۹۸۴۳۷

سمانه صادقی در جریان تظاهرات ۱۳۹۹ در تهران

داستان کشف شاخه‌های کودتا شروع می‌شود و مرحله مرحله جلو می‌رود. البته در اداره دوم ارتش هم چند نفر به رفتار بعضی افراد این اداره مشکوک می‌شوند و به این ترتیب یکی یکی سرریخ‌های جریانات در تهران و همدان در واقع شناخته و کشف می‌شود.

**زمان عملیات نقاب شما چه سمتی در سپاه داشتید؟**

من آن زمان یکی از فرماندهان سپاه بودم.

**خاطر‌های هم از طرفه لو رفتن جریان عملیات به یاد دارید؟**

یکی از دوستان ما در اداره دوم ارتش روزی به پارک لاله می‌رود و در آنجا با اجتماع این افسران ارتش روبه‌رو می‌شود لذا بلافاصله به اداره دوم ارتش و سپاه اطلاع می‌دهد که چنین مسئله مشکوکی را مشاهده کرده است. علاوه بر این می‌گوید در صحبتی که با یکی از آنها داشته به او گفته شده که ما می‌خواهیم به همدان برویم. به هر حال این دوست ما تقاضا می‌کند برای کشف ماجرا نیرویی به آنجا فرستاده شود ولی فردای آن روز اطلاع دادند که شب قبل همه آن افراد را دستگیر کرده و به بازداشتگاه برده‌اند و بعد هم دستگیری‌ها در همدان آغاز شد. لذا من از طریق همین دوستم از جریان عملیات مطلع شدم ولی بعدها از طریق داد‌گاه و اعترافاتشان بیشتر در جریان قرار گرفتیم. اخیراً هم در کتابی که نوشته‌ام تحت عنوان «تاریخ ایران پس از انقلاب اسلامی» به تفصیل قضیه کودتای نقاب را توضیح داده‌ام.

**گویا کشف و شناسایی عوامل کودتا برای حامیان این عملیات بسیار سنگین بوده است؟**

بله. در زمانی که ما هیچ دستگاه اطلاعاتی نداشتیم طراحان کودتا اصلاً تصور نمی‌کردند برنامه‌ریزی که برای انجام کودتا کرده‌اند، شکست بخورد. درست هم تصور کرده بودند. به دلیل اینکه واقعیت این است اما از آنجایی که خداوند نخواست اینها پیروز شوند و خداوند پشتیبان این انقلاب بود، بالاخره یک قضاییی حتی خارج از توان و اراده ما اتفاق افتاد.

**این خلبان چه نقشی در این عملیات بر عهده داشت؟**

او یکی از خلبانانی بود که قرار بوده به پایگاه هوایی شهید نوزه همدان برود و برای اجرای نقشه کودتا به اصطلاح هواپیما بردارد و به تهران بیآورد.

**چرا با آنکه نام کودتا عملیات نقاب بود، در میان مردم به نوزه شهرت یافت؟**

به این علت که نقطه آغاز طرح عملیات، پایگاه سوم شکاری شهید نوزه در کویدر(هنگ (همدان) طراحی شده بود. پایگاهی که به یاد شهید محمد نوزه به پایگاه هوایی نوزه نامگذاری شده بود. لذا از همان ابتدا در میان مردم به کودتای نوزه معروف شد و مردم متوجه شدند که این کلمه نوزه یعنی چی؟ حتی برخی تصور کردند که رهبر کودتا نامش نوزه بوده است ولی بعداً اطلاع‌رسانی شد و مردم متوجه شدند نام کودتا نقاب بوده. نقاب هم ابتدای چهار کلمه «نجات قیام ایران بزرگ» است و نامی بود که کودتاجپان روی خودشان گذاشته بودند.

**بعد از لو رفتن جریان کودتا، عملیات پاسکازی توسط سپاه چطور انجام شد؟**

نیروهایی که برای کودتا در تهران تدارک دیده بود قرارشان این بود که در پارک لاله جمع شوند و با یک اتوبوس به پایگاه هوایی فرودگاه مهرآباد بروند و از آنجا با یک هواپیما دسته‌جمعی ما اطلاع دادیم. مثلاً حزب توده که خودش در واقع رفتن کودتادعا کرد ما رفتیم و به آقای خامنه‌ای شوری حمایت تلویحی از کودتا کرده بود بعد از لو رفتن کودتادعا کرد ما رفتیم و به آقای هاشمی اطلاع دادیم و فلان… از طرفی مجاهدین خلق هم آمدند و گفتند ما جریان کودتا را لو داده‌ایم. حتی بنی‌صدر هم گفت من از مدتی قبل از جریان کودتا خبر داشتم.

البته بنی‌صدر گفتگت حال که من خبر داشتم برای پاسکازی‌اش چه کار کردم. البته اسناد نشان می‌دهد که بنی‌صدر از جریان کودتا خبر داشته و دنبال این بوده که جمهوری اسلامی را به شکست بکشد. در کل آن زمان همه گفتند ما خبر داشتیم. حال ما صدردصد نمی‌گوییم همه اینها غیرواقعی و دروغ است و ممکن است بوده باشد، ولی به نظر می‌رسد مشهورترین روایت برای آغاز شکست کودتا این است که یکی از خلبان‌ها قبل از اینکه برای انجام عملیات‌از خانه بیرون برود چون بسیار مضطرب و ناراحت بوده مادرش متوجه این مسئله می‌شود. ایشان داستان را برای مادر نقل می‌کند و مادر بسیار بسیار ناراحت می‌شود و از خلبان می‌خواهد که همین حالا مسئله را به آقای خامنه‌ای اطلاع بدهد. لذا ساعت ۴ صبح این آقا به منزل آیت‌الله خامنه‌ای می‌رود و از اینجا

**کسانی که قرار بود کار تسخیر صدا و سیما را انجام دهند، چطور شناسایی شدند؟**

از آنجایی که طراحان کودتا برای اجرای طرح در جاهای مختلف با افرادی صحبت کرده بودند، بعدها در جریان دستگیری‌های غلطیمی که در برخی ادارات انجام گرفت کسانی که قرار بود کار تسخیر صدا وسیما را انجام دهند، دستگیر شدند. البته آیت‌الله ری‌شهری نیز در خاطراتشان به تعدادی از افرادی که با اینها همکاری داشتند اشاره کرده ولی اسمی از آنها به میان نیاورده است.

**واکنش مسئولان وقت نظام نسبت به همراهی برخی از ارتشیان با کودتاجپان چه بود و این عملیات چه موضعی‌گیری‌هایی را نسبت به ارتش رقم زد؟**

خب، کاملاً روشن بود که تمامی فرماندهان ارتش با انقلاب هماهنگ نبودند. این فرماندهان نه تنها در این واقعه بلکه در واقعه طیس – عملیاتی موسوم به پنجه عقاب که در جهت آزادسازی گروگان‌های امریکایی انجام گرفت- هم با نیروهای امریکایی همراهی کرده بودند. بنابراین چنین اقدامی از نسوی آنها یک مقدار طبیعی به نظر می‌رسید. لذا بعد از این اتفاق علاوه بر دستگیری کسانی که در این جریان دست داشتند، پاسکازی نسبتاً وسیعی در نیروهای

## روزنامه جوان | شماره ۵۹۶۸

مسئله انجام گرفت و تعداد زیادی از ارتشیان بازنشسته یا اخراج شدند.

اتفاق نامناسبی که بعد از این قضیه افتاد این بود که پس از آغاز جنگ در مهرماه ۱۳۵۹ بنی‌صدر از حضرت امام می‌خواهد کسانی که در جریان کودتا دست داشتند و در زندان به سر می‌برند را با توجه به اینکه توبه کرده‌اند، عفو نمایند تا آنها برای مقابله با ارتش عراق به جبهه فرستاده شوند. بنی‌صدر با این عنوان که این افراد آدم‌های متخصص و سطح بالای ارتش بوده‌اند و در جبهه جنگ به‌وجودشان نیاز داریم و بسیار برای شرایط حال حاضر جنگ مفید هستند، از حضرت امام درخواست آزادی آنها را می‌کند که البته حضرت امام هم با این درخواست موافقت می‌کنند و به هر حال تعدادی از این ارتشیان آزاد می‌شوند و دوباره لباس نظام می‌پوشند و به محل کارشان برمی‌گردند اما متأسفانه اکثر این افراد که در واقع شاید باید انعام می‌شدند ولی به این ترتیب آزاد شدند، عملکرد خوبی در جبهه از خود نشان ندادند به طوری که بعضی‌ها معتقدند اینها در جبهه عمداً خرابکاری کرده و مناطق وسیعی را به ارتش عراق تسلیم نموده و عقب‌نشینی کردند. این هم یکی از آن مسائلی است که در مورد عملکرد بنی‌صدر مطرح است.

**بد نیست اشاره‌ای هم به نقش هدایت‌کننده بختیار در چگونگی رخداد این کودتا داشته باشید.**

بختیار از همان روز اول بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به هر حال شروع به توطئه کرد. تنها مدیریت این کودتا هم نبود؛ او که مستقیماً با سیا و سازمان‌های اطلاعاتی اروپایی علیه ایران کار می‌کرد حتی در جریان جنگ تحمیلی هم به دولت عراق کمک کرد و در تبلیغات علیه ایران به‌طور دائم فعال بود.

**به عنوان معترضه سؤال می‌کنم که حضور برخی نیروهای امنیتی‌اداره هشتم ساواک در تشکیلات امنیتی نظام صحت دارد؟ چون اصولاً وقایعی از جنس کودتای نوزه، نوعی هماهنگی‌های داخلی از جنس نفوذ را هم می‌طلبد؟**

ما باید در ابتدا بدانیم که تمام بگیر و ببندها و شکنجه‌های ساواک در حیطه وظایف «اداره سوم ساواک» که حوزه کاری آنها مربوط به امنیت داخلی بود، قرار داشت. ساواک یک اداره کاری تحت‌عنوان «اداره هشتم» داشت که حوزه کاری آنها مربوط به امنیت خارجی بود. اداره هشتم اصلاً کاری به داخل مملکت و مبارزه و مبارزان نداشت و تنها سفارت‌تخانه‌های خارجی و جاسوس‌ها را زیر نظر داشت. افراد اداره هشتم تخصص‌های بسیار بالایی در زمینه‌های لب‌خوانی، شنود، رد‌گیری ماشین‌ها… داشتند. در ابتدای انقلاب دولت هوشمت گفت که اداره هشتمی‌ها آدم‌هایی هستند که ارتباطی به ساواک ندارند و ما برای آنکه خارجی‌ها از اوضاع فعلی کشور سوءاستفاده نکنند، به نیروهای اداره هشتم نیاز داریم. این را هم بگویم که نیروهای اداره هشتم، واقف کمک‌هایی را در ابتدای انقلاب انجام دادند. البته فقط تا شش ماه و یک سال از وجود آنها استفاده شد و بعد از آن همه نیروهای اداره هشتم بازخرید شدند. هیچ‌کدام از نیروهای اداره هشتم حضور نداشتند. البته رابطه‌هایی با دفتر نخست‌وزیری داشتند ولی به هیچ عنوان در دفتر نخواست‌وزیری حضور فیزیکی نداشتند. زمانی هم که شهیددربار نخست‌وزیر شد آقای خسرو تهرانی را به‌عنوان مشاور نخست‌وزیر در امور اطلاعاتی انتخاب کرد. در دفتر نخست‌وزیری، دفتری برای آقای خسرو تهرانی و تیم همکاران او درست شد که افرادی نظیر کشمیری و حجاریان هم جزو همین تیم بودند.

**در صورت پیروزی کودتا، چه نوع حکومتی قرار بود تشکیل شود؟**

کودتاجپان در این خصوص یک مقدار متناقض صحبت کرده‌اند. علت هم این است که در انجام کودتا جریانات متفاوتی همکاری داشتند. یعنی هم سلطنت‌طلبان در انجام کودتا دخیل بودند هم ضدسلطنت‌طلبان مثل توده‌های. البته با آنکه کودتاجپان می‌گویند ما اطلاعی از اینکه حکومت جدید چه باشد نداشتیم و قرار بود بعد از پیروزی در این مورد تصمیم گرفته شود ولی ظاهراً قرار بوده پس از پیروزی، حکومت جدید را جمهوری ایران اعلام کنند. چون خودشان می‌دانستند که نظام سلطنتی در میان مردم هیچ جایگاهی ندارد و حتی بعضی از کسانی که در جریان کودتا شرکت کرده‌اند هم با نظام سلطنتی موافق نیستند.

**شکست کودتای نقاب چه پیامی برای امریکاییان و دیگر دشمنان جمهوری اسلامی به همراه داشت؟**

پیام شکست این کودتا به امریکاییان این بود که شما انقلاب اسلامی را نمی‌شناسید و با واقعیت‌های ایران آشنا نیستید و نمی‌دانید که این ملت به هر قیمتی در مقابل طرح‌ها و توطئه‌های شما می‌ایستد. منتها به‌طور معمول حکومت‌های استبدکاری این واقعیت‌ها را نمی‌پذیرند. چون اگر واقعیت‌ها را می‌پذیرفتند، رفتارشان بسیار متفاوت می‌شد. آنها هیچ وقت نتوانستند بپذیرند که انقلاب اسلامی، انقلابی است مردمی، اسلامی و استقلال‌طلبانه که مطلقاً زیر بسار قدرت آنها نمی‌رود اما آنها چون نمی‌خواهند واقعیت را بپذیرند، قصد داشتند با زور ما را تسلیم کنند و تا امروز هم این سیاست را دنبال کرده‌اند.

**با تشکر از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید.**

نمای از دادگاه‌عقلمان کودتای نقاب. معروف به نوزه

